

## بازخوانی سیاست جنایی پیشگیرانه در پرتو پاندمی کووید-۱۹ و تئوری آشوب

باقر شاملو\*

### چکیده

امروزه بشر با وقایعی مواجه است که نه تنها حیات و آرامش جمعی و امنیت روحی، روانی و اجتماعی او را در معرض تهدید جدی قرار داده، بلکه گاهی آثار بسیار مخرب و مرگ‌آوری را به همراه داشته است. پدیده‌های اجتماعی از قبیل سیل، آتش‌سوزی، طوفان، آلودگی محیط زیست و مهم‌تر از همه ظهور دوره‌ای اپیدمی‌های ناشناخته مثل وب‌ا، آنفولانزا و ایدز حیات بشر و محیط طبیعی او را با مخاطرات جدی و غافل‌گیرکننده‌ای مواجه ساخته است و هر بار هزاران انسان و موجود زنده را به کام مرگ می‌کشد. ظهور ویروس کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ میلادی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مخاطرات حیات جمعی، چنان شرایط و آثار وحشتناکی را بر جامعه بشری تحمیل کرد که اندیشمندان و مصلحان را به ضرورت بازخوانی سیاست‌های ملی و بین‌المللی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و ... ترغیب نمود. مطالعات سیاست جنایی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از جامع‌ترین نگرش‌ها به پدیده‌های اجتماعی و جنایی از یک سو و ظهور تئوری آشوب<sup>۲</sup> از سوی دیگر در چند دهه اخیر، با وجود تلاش و پشتوانه منطقی و علمی آنها نتوانستند در اصلاح رویکردهای سیاست‌گذاری‌های عمومی و اجتماعی توفیقی داشته باشند. در مقاله حاضر با این پیش فرض که یکی از عوامل مهم بروز بسیاری از مخاطرات طبیعی و انسانی عصر حاضر از خودشیفتگی بشر در پیشرفت‌ها و دخالت‌های فرادستانه در بستر تولیدات علمی و صنعتی بدون برخورداری

\* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

B\_shamlou@sbu.ac.ir

1. COVID-19.

2. Criminal Policy/la Politique Criminelle.

3. Chaos Theory.

از یک تحلیل سازمان‌مند و یا آثار مخرب فرابخشی آن ناشی می‌شود، در صدد اثبات لزوم توجه به تحلیل‌های سازمان‌مند و شبکه‌ای در همه ابعاد عملکرد علمی و انسانی برآمده‌ایم.

تئوری آشوب و نگاه سازمان‌مند سیاست جنایی در پی آن است که روابط بسیار پیچیده پدیده‌های اجتماعی را از یک نگاه جزئی و تک‌بعدی و ساده‌انگارانه خطی به یک نگاه و تحلیل عمیق درون شبکه‌ای، منسجم و چند وجهی تعبیر دهد و ارتقا بخشد. بدیهی است، انتخاب این رویکرد نوین در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و انسانی انقلابی عظیم در فهم موضوعات جامعه بشری به ویژه در حوزه علوم انسانی به عنوان رویکرد بنیادین در هدایت عملکرد بشریت محسوب می‌شود.

جلوه‌گری کووید-۱۹ در پهنه جهانی برخلاف سایر اپیدمی‌های چند دهه اخیر، به منزله یک زلزله جهانی و آشوبناک، همه جوامع، اعم از سنتی و مدرن، مذهبی و غیرمذهبی، صنعتی و ساده را چنان تحت تأثیر قرار داد که لزوم بازخوانی و بازنگری در سیاست‌های عمومی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و فناوری‌های نوین را ضروری و اجتناب‌ناپذیر کرده است.

این تحقیق با بهره‌مندی از رویکردهای جامع‌نگر سیاست جنایی و فرضیه تئوری آشوب سعی دارد عناصر لازم را در کنترل و کاهش پدیده‌های اجتماعی زیان‌بار و ناسازگار با فطرت هستی تبیین نماید تا به طراحی الگوهایی صحیح‌تر و علمی‌تر در مواجهه با مخاطرات اجتماعی و پدیده‌های ناشناخته مساعدت گردد.

### کلیدواژگان:

کووید-۱۹، تئوری آشوب، سیاست جنایی پیشگیرانه، سیاست جنایی فرانواگرایانه، مخاطرات اجتماعی.

## مقدمه

تاریخ بشر مملو از وقایع و حوادثی است که نتایج و آثار هولناکی را رقم زده است. اما تأسفبارتر اینکه با دقت در علل و عوامل وقوع آنها یا تحلیل این حوادث و پدیده‌ها در خارج از ظرف زمانی و مکانی‌شان، به خوبی در می‌یابیم که بسیاری از این فجایع قابل پیشگیری و کنترل بوده‌اند، اما سهل‌انگاری، بی‌تفاوتی یا جهل و یکسویه‌نگری عالمان، حاکمان و متولیان امر با انگیزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نژادی و ... باعث بروز بسیاری از این تجربیات تلخ و خسارت‌آور شده است.

آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی نیز مقارن با یک تجربه تلخ ناشی از انتشار ویروس کرونا و از دست رفتن حیات صدها هزار انسان همراه شد که بیش از تلفات جانی<sup>۱</sup> و رنج و تألمات جسمی، موجب وحشت عمومی و از دست رفتن آرامش و آسایش جوامع انسانی و بروز اختلال و حتی توقف در زندگی اجتماعی و تعاملات انسانی و بین‌المللی گردید.

اپیدمی کووید-۱۹، بشر مغرور امروز و جوامع جهانی را چنان منفعل و غافلگیر کرد که اعلام حالت فوق‌العاده و شرایط اضطراری تنها گزینه منطقی ناشی از آن محسوب شد.

مهم‌ترین عامل این وحشت و اضطراب عمومی جهل انسان و جوامع نسبت به ماهیت این ویروس، نحوه عملکرد آن و چگونگی کنترل یا درمان مبتلایان آن بوده است. به تعبیر «یورگن هابرماس»<sup>۲</sup> یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان عصر حاضر، وقوع پدیده کرونا آگاهی انسان را نسبت به نادانی خود افزود.<sup>۳</sup> بشر قرن بیست‌ویکم با فتح قله‌های بزرگی از علم و فناوری و تسلطی خیره‌کننده بر طبیعت و صنعت و تکنولوژی به تدریج به این توهم نائل شده بود که شاید حاکم و

۱. مطابق آمارهای رسمی تاکنون مرگ بیش از نیم میلیون نفر ناشی از بیماری کووید ۱۹ در سراسر جهان تأیید شده است. نک:

<https://www.euronews.com/2020/06/26/covid-19-coronavirus-breakdown-of-deaths-and-infections-worldwide>  
2. Jürgen Habermas (1929).

۳. نک:

*Frank furter Rundschau* 10th April, 2020:  
<https://www.fr.de/kultur/gesellschaft/juergen-habermas-coronavirus-krise-covid19-in-ter-view-13642491.html>.

سلطان بر نظام هستی است. اما هجمه یکباره و بسیار سریع ویروس کرونا این انسان مغرور هزاره سوم را متوجه جهل مرکب خویش نمود و ناتوانی و درماندگی‌اش را در مواجهه با این اپیدمی و مدیریت آن نمایان ساخت.

از جمله ابهامات جدی مرتبط با ویروس کووید ۱۹ طرح این پرسش است که علت و منشأ بروز این ویروس چیست؟ آیا ساخته‌ی اراده‌ی بشر فروافتاده در منجلاب اخلاقی است یا اینکه برآیندی از فعل و انفعالات طبیعی و دستبردهای غیرمنطقی انسان در طبیعت و نظام هستی؟ در هر فرض و بدون تردید باید گفت که یکی از بسترهای مهم وقوع بسیاری از مخاطرات تهدیدکننده‌ی حیات اجتماعی، از جمله سیل، طوفان، آلودگی منابع زیستی و آبی، آلودگی هوا و حتی شیوه و سبک زندگی و اپیدمی‌های نوظهور و ناشناخته و پیامدهای ناگوار آنها در چگونگی تعامل بشر با جهان هستی و اختراعات و ابتکارات او در مفهوم عام آن و شیوه‌ی تحلیل و نقد پدیده‌های اجتماعی، یا نوع نگرش انسان به پدیده‌ها و مناسبات اطراف خود در مفهوم خاص است. عنصر اخیر به عمق نگاه علمی و میزان دانش و آگاهی انسان نه تنها از هر واقعه‌ی اجتماعی یا دستاورد علمی بستگی دارد، بلکه توجه به آثار و اطلاع کافی از عواقب آتی آن پدیده و مهم‌تر از آن تأثیر آن در تعامل با سایر پدیده‌ها و عناصر طبیعی و انسانی در درون یک سیستم پیچیده شبکه‌ای است.

با ظهور مدرنیسم<sup>۱</sup> در قرن هجدهم و اوج‌گیری آن در قرون نوزدهم و بیستم بشر به پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه پزشکی، زیست‌شناسی، صنعت و فناوری‌های نوین در هوا فضا و مخابرات و فضای مجازی دست یافت که به موازات آن بسیاری از اندیشمندان در شبیه‌سازی و تسری آن به قلمرو علوم انسانی اهتمام ورزیدند که نتیجه‌ی بدیهی آن تخصص‌گرایی و جزئی‌نگری افراطی به عنوان یکی از خصوصیات بارز عصر کنونی شد. این رویکردهای جزیره‌ای و جزئی اگرچه در وهله‌ی اول موجب غرور بشر در دستیابی به نتایج درخشان و خیره‌کننده‌ای شد،

۱. *Modernism*. نوگرایی یا نوین‌گرایی که از آن به نام‌های تجددگرایی یا مدرنیسم نیز یاد می‌شود، به معنی گرایش فکری و رفتاری به پدیده‌های فرهنگی نو و پیشرفته‌تر و کنار گذاشتن برخی از سنت‌های قدیمی با گسترش خردگرایی است. نوگرایی یا مدرنیسم، گستره‌ای از جنبش‌های فرهنگی را که ریشه در تغییرات جامعه غربی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دارد، توصیف می‌کند. این واژه مجموعه‌ای از جنبش‌های هنری، معماری، موسیقی، ادبیات و هنرهای کاربردی را که در این دوره زمانی رخ داده اند، دربردارد (نک: راسخ، محمد، **مدرنیته و حقوق دینی**، نامه مفید، اسفند ۱۳۸۶، شماره ۶۴ صص ۳ - ۲۶).

به دلیل فقدان یک نگاه جامع، چندوجهی و شبکه‌ای به پدیده‌ها و وقایع اجتماعی، عوارض و آثار ناگوار آنها مغفول ماند. بسیاری از مخاطرات ناهمگون و ناخوشایند فعلی ریشه در ساده‌انگاری‌های وقایع اجتماعی و انسانی یا جزئی‌نگری به ارث رسیده از دورهٔ مدرنیته دارد. با شکست بسیاری از سیاست‌ها و رویکردهای پیشین و عدم استقرار آرمان‌شهر<sup>۱</sup> ترسیم‌شده، علت‌یابی این ناکامی‌ها مورد کنکاش اندیشمندان قرار گرفت و پیشنهادات و راه‌حل‌های نوینی در پاسخ به این ناکامی‌ها ارائه شد. از جملهٔ این راه‌حل‌ها در قلمرو علوم انسانی و حقوق، می‌توان به نظریات برگرفته از مطالعات سیاست جنایی و تئوری آشوب اشاره کرد. رویکرد سیاست جنایی به عنوان راه‌حلی در راستای بازنگری در روش‌های علمی و تحقیقات و بازخوانی پدیده‌های اجتماعی ما را در فهم صحیح و جامع پدیده‌ها و پرهیز از جهل و یکسویه‌نگری یاری می‌دهد.

تحلیل پدیدهٔ ویروس کووید ۱۹ نیازمند بررسی عمیق از ابعاد مختلفی از جمله در حوزه‌های پزشکی، اخلاقی، فلسفی، فقهی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که ابعاد حقوقی آن نیز از زوایای مختلفی چون حقوق کیفری اختصاصی، حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری سلامت، حقوق بشر، جرم‌شناسی و سیاست جنایی قابل بررسی است که در این تحقیق موضوع ویروس کووید ۱۹ منحصرأ در قالب رویکرد پیشگیرانه سیاست جنایی با تکیه بر داده‌های علمی تئوری آشوب تحلیل می‌شود.

## ۱. تحلیل پدیدهٔ اجتماعی از نظر سیاست جنایی

نظر به اینکه از یک سو، مفهوم سیاست جنایی در ارتباط با موضوع مقاله و به ویژه با لحاظ مخاطبین عام مقاله مفهومی ناشناخته است و از سوی دیگر، بسیاری از مخاطبین خاص نیز مفهوم سیاست جنایی را بدون تحولات تاریخی و صرفاً در قلمرو حقوق کیفری تفسیر و درک می‌نمایند، در این مقاله سعی می‌شود برداشت کاملاً نوینی از سیاست جنایی ارائه شود که فراتر از مفهوم و قلمرو سنتی آن و در اصطلاح مفهومی فرانوگرایانه<sup>۲</sup> باشد. این تعبیر جدید از اصطلاح سیاست جنایی سازگار با مفهوم تئوری آشوب و همچنین تحلیل سیستمی از پدیدهٔ اجتماعی

1. *Eutopia*.

۳. نک: بند ۱-۴ مقاله.

است. از این رو، ابتدا تحولات تاریخی و مفهومی سیاست جنایی ارائه می‌شود و سپس عناصر و مؤلفه‌های سیاست جنایی که مؤثر در تحلیل پدیده‌های اجتماعی است، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### ۱.۱. تحول مفهومی سیاست جنایی: از سیاست کیفری تا سیاست جنایی فرانگرایانه

سیاست جنایی به عنوان یک الگوی نوین در تحلیل پدیده‌های جنایی و اجتماعی در طی چند دهه اخیر جایگاه بسیار مهمی را در عرصه حقوق کیفری کسب نموده است.<sup>۱</sup> اما رویکرد امروزی آن نتیجه گذر از مفاهیم سنتی و بسیار متفاوت آن بوده که برای فهم این تعبیر جدید لازم است تعاریف سابق به طور مختصر مورد اشاره قرار گیرد. به طور کلی، مفهوم و قلمرو سیاست جنایی چهار مرحله و مفهوم متفاوت را طی کرده است:

#### ۱.۱.۱. سیاست جنایی در مفهوم حقوق کیفری

این تعبیر، تعریفی است که حقوق‌دانان در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم به کار گرفته‌اند. برای اولین بار «آنسیلم فوئر باخ»،<sup>۲</sup> حقوق‌دان و اندیشمند آلمانی، به سال ۱۸۰۳ سیاست جنایی را معادل مفهوم جدیدی از حقوق کیفری عصر خویش به کار گرفت و چون هویت جدیدی از نهاد دولت ظهور کرده بود که تمرکز در سیاست‌گذاری‌های ملی در اروپا به عنوان یک ارزش و دستاورد جدید تلقی می‌شد، این مبنا نیز در قلمرو حقوق انعکاس یافت.<sup>۳</sup>

سیاست جنایی به تعبیر فوئر باخ، «مجموعه تدابیر سرکوبگرانه‌ای است که دولت برای مبارزه با جرم استفاده می‌کند».<sup>۴</sup> همچنان که مشاهده می‌شود، سه مفهوم سرکوبگری، تمرکزگرایی و بازیگری دولت عناصر مهم این تعبیر، و مهم‌ترین نوآوری آن تمرکزگرایی و نقش انحصاری دولت به عنوان مظهر نخبگان و عقل محض در تشخیص خیر و مصلحت است. متعاقب این تعریف، «فون لیست»<sup>۵</sup> و «دونادیو دواپر» تعابیر مشابهی تا نیمه اول قرن بیستم به کار گرفتند.

۱. نجفی‌ایرندآبادی، علی حسین، *سیاست جنایی*، مدخل در: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۵۵۴.

2. Anselm von Feuer Bach (1775-1833).

۳. بنگرید: لواسور، ژرژ، *سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ایرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۳۹۸.

۴. امری که در ادبیات نوین سیاست جنایی از آن با عنوان «سیاست کیفری» Penal Policy یاد می‌شود.

5. Franz Von Listzt (1851-1919).

در این مفهوم، پدیده مجرمانه صرفاً در اقدامی واکنشی نسبت به نقض هنجارهای تعریف شده در قانون مورد توجه قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، مرتکب مستقیم و بی‌واسطه آن مسئول و مشمول مجازات شدید و سرکوبگرانه واقع می‌شد که غالباً از جنس مجازات‌های بدنی بود.

### ۱.۱.۲. سیاست جنایی در مفهوم رویکرد رفاهی

پس از پایان جنگ جهانی دوم و تحمل خسارات سنگین انسانی و اجتماعی لزوم بازنگری در سیاست‌های اجتماعی و حقوقی امری اجتناب‌ناپذیر شد. فیلیپ گراماتیکا<sup>۲</sup> و مارک آنسل<sup>۳</sup> با نقد موقعیت برتر دولت‌ها که موجب قربانی شدن هزاران انسان ضعیف و بی‌دفاع می‌شد، در صدد برآمدند که در فرض تقابل منافع جامعه با افراد، توازنی بین منافع دو طرف برقرار کنند و تقدم منافع جامعه را مورد تردید جدی قرار دهند. رویکرد نهضت دفاع اجتماعی نوین<sup>۴</sup> مارک آنسل در صدد انسانی کردن حقوق کیفری برآمد و سیاست جنایی انسان‌مدار را که متضمن رعایت حقوق متهمین و محکومین در فرایند دادرسی‌ها بود، به نحو شایسته‌ای تبیین نمود. در این برهه نیز با تصویب اسناد بین‌المللی حقوقی، از جمله اعلامیه حقوق بشر و همچنین میثاقین حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تحول مهمی در رعایت حقوق متهمین و توجه به کرامت ذاتی بشر در نظام‌های سیاسی و حقوقی حاصل شد. اگرچه اعطای این حقوق در راستای شناسایی حقوق

۱. نک: دلماس-مارتی، مری، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی‌ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۶۹

2. Filippo Gramatica

3. Marc Ansel.

۴. Social Defence مکتب دفاع اجتماعی در سال ۱۹۴۷ توسط گراماتیکای اهل ایتالیا بنیان‌گذاری شد. پیروان مکتب دفاع اجتماعی هدف‌های سنتی حقوق جزا را در مورد حفظ نظم و عدالت مورد تردید قرار داده و معتقدند به جای تهدید و ارعاب بزهکاران و دیگران، جامعه می‌تواند با وضع قوانینی که به منظور بالا بردن سطح فرهنگ و سطح زندگی مردم باشد، موجب کاهش جرائم بشود. از راه‌های نیل به این اهداف گسترش اقدامات پیشگیری است. مبارزه با عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و پزشکی ارتکاب جرم چون فقر و بیکاری، نقص دستگاه تعلیم و تربیت یا رواج الکل و اعتیاد و به مواد مخدر از طریق تنظیم قوانین مناسب در جلوگیری از جرائم، نقش عمده ای دارد. مکتب دفاع اجتماعی جدید نیز، در سال ۱۹۵۴ توسط مارک آنسل قاضی دیوان کشور فرانسه تأسیس شد. طبق نظر او، نباید در اعمال مجازات‌ها تنها به دفاع جامعه پرداخت، بلکه باید هدف دیگری که شامل جلوگیری از سقوط بزهکار و آماده کردن او برای بازگشت به جامعه است، مورد توجه قرار گیرد. بهترین راه دفاع جامعه این است که شخصیت بزهکار را ضمن احترام به حیثیت بشری او به طرق و وسایلی ممکنه تحت تأثیر قرار داده و او را به مسؤلیت اجتماعی خود آگاه و او را برای ورود به اجتماع آماده ساخت. نک: آنسل، مارک، **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمد آشوری، علی حسین نجفی‌ابرندآبادی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ویراست پنجم، ۱۳۹۵.

بنیادین و ذاتی بشر و برگرفته از اصل کرامت طبیعی انسان صورت گرفت، در واقعیت یک نوع ارفاق و امتیاز فوق العاده محسوب می‌شد که در مرحله بعد از توجه اتهام و در فرایند دادرسی واگذار می‌گردید. در این رویکرد مثل مرحله قبل تحلیل پدیده اجتماعی و به‌ویژه بزهکاری نتیجه انتخاب اراده‌های مستقل و آزاد افراد حسابگر است. مهم‌ترین نوآوری این مرحله این است که در محاکمه افراد باید فرایند دادرسی منصفانه و حقوق قانونی آنها مورد توجه قرار گیرد.

### ۱.۱.۳. سیاست جنایی در مفهوم موسع

بر اساس این رویکرد که دلماس مارتی،<sup>۱</sup> تئوری پرداز سیاست جنایی، در مفهوم نوین آن مطرح نموده و در چند دهه پایانی قرن بیستم عرضه شده و مورد توجه قرار گرفته است، تحلیل پدیده جنایی مفهوم و قلمرو جدیدی پیدا کرد و کلیه علل و عوامل خارج از قلمرو حقوق کیفری را برای مدیریت و ارائه پاسخ به پدیده جنایی به مشارکت گرفت. به موجب این تعریف، «سیاست جنایی مجموعه روش‌ها، آیین‌ها و شیوه‌هایی است که پیکر اجتماع (هیات اجتماع) از طریق آنها، پاسخ‌های مختلف به پدیده مجرمانه، یعنی جرم و انحراف، را سازمان‌دهی و اعمال می‌کند».<sup>۲</sup>

مطابق این تعریف، عناصر فعال و مهم برای پاسخ به پدیده جنایی از انحصار دولت خارج می‌شود و در یک مشارکت و همکاری عمومی در اختیار کلیه نهادهای اجتماعی اعم از دولتی و مردمی و جامعه قرار می‌گیرد. همچنین روش‌ها نیز از قلمرو انحصاری سرکوبگری یا اصلاحی خارج و بسیار متنوع و ترکیبی شدند، ولی همچنان اساس برنامه‌ریزی بر محور پدیده جنایی، یعنی جرم و انحراف، قرار دارد که در ماهیت یک نوع سیاست واکنشی، اما فعال و چندوجهی محسوب می‌شود.

### ۱.۱.۴. سیاست جنایی در مفهوم رویکردی فرانوگرایانه

در این رویکرد، مأموریت سیاست جنایی تحلیل واقع‌بینانه پدیده اجتماعی در مفهوم اعم آن است و نه لزوماً پدیده جنایی به عنوان یکی از مصادیق پدیده اجتماعی. برخلاف مفاهیم سنتی و سابق که صرفاً واکنش‌های غریزی یا پاسخ‌های واکنشی به پدیده جنایی ارائه می‌شد، در این رویکرد مهم، هر پدیده و عنصر در وقوع یک ناهنجاری که ظرفیت جنایی شدن را دارد، مورد

1. Mireille Delmas Marty (1941).

۲. نک: دلماس مارتی، مری، پیشین، ص ۷۰.



بررسی و مطالعه فرار می‌گیرد. از جمله تفاوت‌های مهم رویکرد فرانگرایانه این است که تحلیل پدیده اجتماعی منحصر به علل مستقیم یا بی‌واسطه نیست، بلکه کلیه علل و عوامل غیرمستقیم و اولیه یا به واسطه نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

تحلیل پدیده اجتماعی بر اساس اصول و داده‌های علوم نوین بر محور تحلیل‌های شبکه‌ای و بین سیستمی یا فرانگرایانه درصدد آن است که از تحلیل‌های ظاهری و سطحی دوری جست، به موازات پیشرفت و توسعه علم و عمیق شدن دانش بشری به تعمیق تحلیل‌های علت‌شناسی و بالتبع سیاست‌گذاری‌های عمومی<sup>۱</sup> روی آورد.<sup>۲</sup>

سیاست جنایی در رویکرد فرانگرایانه در حقیقت تلفیقی از سیاست‌گذاری عمومی و سیاست جنایی است که براساس داده‌های نوین دانش بشری در پی پیشگیری و مدیریت وقایع زیان‌بار برمی‌آید تا از طریق اصلاح روش‌ها و حذف علل و عوامل مؤثر از وقوع پدیده‌های اجتماعی که ظرفیت تبدیل به پدیده جنایی را دارد، جلوگیری نماید. مثال بارز این شیوه تحلیل، عدم توجه به عدالت اجتماعی در نظام‌های سیاسی و به‌ویژه جامعه لیبرالیستی آمریکاست که در سال جاری (۲۰۲۰) به علت عدم عملکرد صحیح در کشف جرائم یا شیوه صحیح تعقیب و بازجویی متهمان، عملکرد سازمانی پلیس که باید امنیت‌ساز باشد، به عملکردی امنیت‌برانداز و مخرب تبدیل شد.

۱. با کاوش نظریه‌ها و در نظر گرفتن فرایند سیاست‌گذاری به مانند یک سیستم، می‌توان درون‌دادها و برون‌دادهای نظام سیاست‌گذاری را بر اساس رابطه‌شان با نظام سیاسی خلاصه کرد و به بحث گذاشت یا به بیان ساده‌تر آنگونه که در ادبیات سیستمی رایج است، به جعبه سیاه فرایند سیاست‌گذاری دست یافت (نک: یزدانی زازرانی، محمدرضا، **شناخت فرایند سیاست‌گذاری عمومی؛ نگاهی کلی به مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌ها**، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۴، ص ۱۸۹).

۲. توضیح این نکته ضروری است که هرچند برخی از اندیشمندان پارادایم‌های علمی همچون نظریه آشوب را با فرانگرای نامتجانس و اصطلاحات پارادوکسیکال می‌دانند، بسیاری بر این باورند که می‌توان این پارادوکس را با ارجاع به مهم‌ترین صورت‌بندی فرانگرای رفع نمود. این صورت‌بندی فرانگرای سلبی (skeptical postmodernism) را در نقطه مقابل فرانگرای ایجابی (affirmative postmodernism) قرار می‌دهد. از میان وجوه تمایز میان این دو قسم، در خصوص پارادوکس مطروحه، فرانگرایان سلبی هرگونه علم و نظریه‌پردازی علمی را نقد و نفی می‌کند، حال آنکه فرانگرای ایجابی علم و دستاوردهای علمی را یکسره نفی نمی‌کند، بلکه تنها پارادایم مدرنیستی علم را به چالش می‌کشد. بر همین اساس است که جرم‌شناسان فرانگرای به استقبال نظریه آشوب می‌روند و از انگاره‌های آشوب برای تغییر اجتماعی بهره می‌برند. برای ملاحظه تفصیلی وجوه تمایز میان دو قسم فرانگرای، رک:

- Arrigo, B, Postmodern Criminology, in: Bruinsma, G & Weisburd, D, "Encyclopedia of Criminology And Criminal Justice", 2014, Springer, New York. Pp 3844-3845.

در موضوع سلامت و بهداشت عمومی نیز سیاست‌گذاری‌های اشتباه یا عدم سیاست‌گذاری بهینه و یا عدم نظارت کافی بر عملکردها، حتی در یک سرزمین خاص و دورافتاده، منجر به یک دغدغه و حتی بحران جهانی و امنیت‌برانداز مثل شیوع ویروس کووید ۱۹ در سال جاری (۲۰۲۰) گردید. بنابراین وقت آن فرارسیده است که از نگاه‌ها و تحلیل‌های جزئی و سطحی و تخصص‌گرایی افراطی و جزیره‌ای به ارث رسیده از دوره مدرنیته گذر کنیم و به تحلیل‌های سیستمی و چندوجهی مبتنی بر دانش‌های عمیق درون شبکه‌ای متوسل شویم. به بیان دیگر، در علت‌شناسی هر پدیده جنایی باید خزانه‌ای از علل و عوامل و پدیده‌های اجتماعی را مورد واکاوی و بررسی قرار داد تا از پاسخ‌های واکنشی متأثر از فرهنگ سرکوبگری به حوزه تحلیل شبکه‌ای نائل شویم. با این مقدمات، تعریف سیاست جنایی در رویکرد فرانوگرایانه عبارت است از: «مجموعه تدابیر، روش‌ها، اهداف و ابزارهایی که توسط مجموعه محیط انسانی جهت شناسایی و مقابله با پدیده‌های اجتماعی دارای آثار جنایی به کار می‌روند».

مطابق این تعریف، نخست محور سیاست جنایی از پدیده جنایی به پدیده اجتماعی تغییر می‌یابد؛ دوم از رویکردی واکنشی و انفعالی به رویکردی پویا و پیشگیرانه تغییر جهت می‌دهد؛ سوم با تکیه بر تقدم اصل پیشگیری بر مجازات، به ابزارهای کیفی و سنتی ارزش کمتری داده می‌شود و به تدریج با اهداف و روش‌های غیرکیفری جایگزین می‌شوند و چهارم اینکه تحلیل این رویکرد در وضعیتی پویا و منظومه‌ای و نه ایستا انجام می‌شود. به همین دلیل مرزهای پاسخ‌کیفری و پاسخ‌های عمومی و غیرکیفری و همچنین مرزهای سیاست‌های عمومی و حقوقی نیز وجوه اشتراک بیشتری می‌یابند. در نتیجه مطالعات بین‌رشته‌ای از هویت مستقل و به‌ذات برخوردار می‌شوند.

## ۱.۲. عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سیاست جنایی

کرامت انسانی مفهوم و واژه‌ای مقدس است که می‌توان آن را هسته مرکزی و الهام‌بخش همه آموزه‌ها و اندیشه‌های اخلاقی، فلسفی، دینی و حقوقی همه مصلحان تاریخ و نهایتاً عصاره و اکسیر حقوق بشر در مفهوم نوین آن تلقی نمود.

امروزه وضع هر قاعده حقوقی در مفهوم خاص آن یا اتخاذ سیاست‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و عمومی در مفهوم عام آن باید از قاعده «اصل

کرامت ذاتی بشر<sup>۱</sup>، به عنوان مهم‌ترین قاعده بنیادین در سیاست‌گذاری، تبعیت کند. کلیه اسناد و معاهدات بین‌المللی، به‌ویژه سه نسل از حقوق بشر که بعد از جنگ جهانی دوم تدوین و تصویب شده‌اند، برای حمایت و تضمین رعایت این ارزش ذاتی و ماهوی بشر است. بدیهی است، هرگونه سیاست‌گذاری حقوقی در چارچوب مبارزه با پدیده جنایی نیز باید با رعایت اصل کرامت ذاتی بشر صورت پذیرد. ترجمان کرامت ذاتی بشر در برخی اصول و ارزش‌های نظری و کاربردی جلوه‌گر می‌شود که این عناصر را می‌توان در ذیل دو دسته، یکی مفاهیم و ارزش‌های بنیادین و دیگری حقوق فردی و کاربردی، به شرح ذیل تقسیم‌بندی نمود:

#### ۱.۲.۱. مفاهیم و ارزش‌های بنیادین در سیاست‌گذاری

به منظور رعایت اصل کرامت ذاتی بشر در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی باید چهار ارزش بنیادین را مورد لحاظ و رعایت قرار داد تا بتوان مدعی التزام به کرامت انسانی شد. این چهار ارزش عبارت‌اند از: آزادی، برابری، عدالت و امنیت.

«آزادی» یکی از ارزش‌های بنیادین جامعه بشری است.<sup>۲</sup> خداوند انسان را آزاد آفریده است و بندگی خداوند نیز در حقیقت بستری برای رهایی از هر قید و بند مادی و تضمینی برای این آزادی و ممنوعیت از بردگی در مناسبات بین بشری محسوب می‌شود. یکی از اصول مهم حقوق

۱. کرامت ذاتی، مبنای حقوق بشر محسوب می‌شود. افراد بماهو انسان، از حقوق بشر بهره‌مند بوده و در درون پسا اجتماع و پدید آمدن حکومت‌ها و فرمانروایی هیئت حاکمه، مدعی حق‌های بشری خود هستند (حبیب‌زاده، توکل و علی اصغر فرج‌پور اصل مردی، **کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن**، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱، ص ۱۱۵).

۲. آزادی مفهومی بلند، پرآوازه، دیرباز و درعین حال گمگشته تاریخ مبارزات و مجاهدت‌های وسیع و دامنه‌دار بشری است. اما این مفهوم گران‌سنگ و غیرقابل مقایسه با سایر ارزش‌های هم‌تراز، مشکل معنایی و مفهومی داشته و میان سرشت و طبیعت آزادی با محدوده و قلمرو آن، نوسان ذهنی و عینی یا نظری و عملی یافته است. آزادی گاهی به صورت نفس‌الامر تعریف مثبت و منفی شده و گاهی در تقابل با استبداد، دموکراسی، حقیقت و واقعیت معنایی گردیده و گاهی نیز مستوی ماهیت آدمی معرفی می‌شود. افزون‌بر بررسی شکلی و ماهوی مضامین فوق‌الاشاره، فرض مقاله این است که مفهوم آزادی به موازات گذر از سنت به مدرنیته، پیچیدگی و درهم‌تنیدگی خاصی یافته و رمز آن نیز درگرو کثرت تولیدات، ارتباطات و وقوف به مطالبات سیاسی - اجتماعی از یک‌سو، و از سوی دیگر مرهون تسری و توسعه آزادی از معنای اولیه رهایی از درون و زدودن رذائل، به آزادی از موانع رسمی و غیررسمی سازمان یافته بیرونی است (ایزدی، جهانبخش، **آزادی به مثابه معنا**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱۶، ص ۶۴).

بشر نیز توجه به ارزش آزادی به عنوان مهم‌ترین عنصری است که کرامت انسان را پاس می‌دارد. اما متأسفانه در طول تاریخ بشر، حاکمان، قدرتمندان و گروه‌های مختلف اجتماعی با انگیزه‌های مختلف آزادی سایر هموعان را مخدوش و مورد تعرض قرار داده‌اند. بسیاری از جنایات و تجربیات تلخ بشر و حتی دستاوردهای درخشان او نیز مرتبط با مفهوم آزادی بوده است. مفهوم و قلمرو آزادی نیز در طول حیات بشر بسیار متحول شده است. امروزه مفهوم آزادی بر خلاف گذشته که فقط ممنوعیت از تعرض و تجاوز و به بردگی گرفتن بود، مصادیق بسیار متنوع و وسیعی، از جمله آزادی سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، اشتغال، مهاجرت و ... دارد؛ در عین حال، که هر کدام از این مفاهیم از جمله چالش‌های بزرگ یک قرن اخیر بوده است.<sup>۱</sup> اما مهم‌تر از مفهوم آزادی و قلمرو آن، تضامین قانونی و اجتماعی برای حفظ آن و یا ضمانت اجرایی نقض آن است که می‌تواند به ارزش بنیادین آزادی اعتبار، و به کرامت ذاتی انسان تجسم عینی بخشد.

«برابری»<sup>۲</sup> دومین عنصر مهم در تضمین ارزش بنیادین کرامت انسانی است. هیچ انسانی بر انسان دیگر برتری ذاتی و اولیه ندارد. خداوند متعال این مفهوم اساسی را در قرآن کریم چنین تعبیر می‌کند: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»<sup>۳</sup>. ما شما را از یک زوج آفریدیم و قرار گرفتن در دسته‌ها و گروه‌ها، ملیت‌ها و هویت‌های متفاوت برای شناخت بیشتر است.

۱. برای نمونه آزادی بیان همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین حق‌های بشری در برخی اسناد مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌های نمونه‌ای از این اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای هستند.

۲. برابری یکی از زیباترین واژه‌های انسانی و ریشه درخت تناور آزادی‌ها است. تحقق آن ثمره مبارزات خونین در طول تاریخ بشری بوده و در نهایت این جنبش به نقطه‌ای انجامیده است که در آن قرار داریم. اصل برابری یکی از قدیمی‌ترین و پایاترین اصول حقوق عمومی محسوب می‌شود. در عین حال این اصل، در میان اصول حقوق موضوعه نیز دارای جایگاهی بسیار مبهم است. اما امروزه تحقق برابری در تمامی زمینه‌ها اولویت نخست حکومت قانون است. از این روی، این اصل هنجاری بنیادین در قوانین اساسی نوین به شمار می‌رود. این ویژگی‌ها لزوم بررسی برابری در حقوق عمومی را نمایان‌تر می‌سازد (نک: ویژه، محمدرضا، **مفهوم اصل برابر در حقوق نوین**، نشریه حقوق شناسی، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲، ص ۲۱۳).

۳. سوره مبارکه الحجرات، آیه ۱۳.

در حقیقت برداشت صحیح از کلام خداوند این است که این تفاوت‌ها به هیچ‌وجه امتیاز و برتری نیست؛ بلکه یک موهبتی برای تنوع و شناخت بیشتر است. امروزه مفهوم برابری معنایی بسیار عمیق و مرتبط با سایر حقوق و موقعیت‌ها پیدا کرده است که مبنای بسیاری از مطالبات انسان‌ها و جوامع و همچنین مبنای بسیاری از نهضت‌ها، شورش‌ها و اعتراضات عصر امروز حتی در کشورهای پیشرفته و صنعتی برای کسب مصادیق و مفاهیم واقعی برابری است. اصل برابری به معنی نفی هرگونه تبعیض و امتیاز سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، شغلی و ... است. با این رویکرد، مصادیق سنتی مفهوم برابری با تکیه بر تحلیل عمیق و سیستمی از آن، امروزه اقناع‌کننده و کافی نیست؛ بلکه برخورداری تک‌تک افراد از کلیه موقعیت‌ها و شانس‌های برابر قانونی و واقعی مورد انتظار است.<sup>۱</sup>

صرف وجود یک کشور، مرفه و متفاوت به عنوان یک الگوی عینی موجب تلقین احساس عدم برابری و تبعیض در انسان‌های سایر سرزمین‌ها می‌شود. در بسیاری موارد، علت و چرایی آن مهم نیست؛ بلکه واقعیت و نتیجه عملی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. کرامت و ارزش برابر، سرنوشت و سرزمین مشترک در مفهوم عام آن موجب بروز این تلقی و انتظار شده است.<sup>۲</sup> مصادیق مختلف و متنوع برابری که امروز جلوه‌گر شده و مورد مطالبه انسان‌هاست، عبارت‌اند از: حق برخورداری کلیه افراد از موقعیت‌ها و شانس‌های برابر، به ویژه در تصدی مشاغل عمومی، اجتماعی و سیاسی. بدیهی است بر اساس تحلیل سیستمی و شبکه‌ای پدیده اجتماعی، نقض هر یک از این توقعات بشر امروز که موجودی تنوع‌طلب، زیاده‌خواه و کیفی‌طلب شده است،<sup>۳</sup> می‌تواند با توجه به تئوری آشوب یا تئوری بال پروانه، موجب بحرانی اجتماعی، ملی و حتی جهانی شود. بسیاری از حوادث و وقایع امنیت‌برانداز چند دهه اخیر نشان می‌دهد که معلول چنین حوادث کوچکی بوده‌اند. حق برابر افراد در برخورداری از بهداشت و درمان نیز یکی از مفاهیم و مصادیق

۱. زارع کهنمویی، اصغر، **برابری و رفع تبعیض**، با مقدمه عمادالدین باقی، نشر موغام، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

2. Hepple, Bob., Declaration of Principles on Equality, 2008: <https://www.equalrightstrust.org/ertdocumentbank/Pages%20from%20Declaration%20perfect%20principle.pdf>.

۳. برای تحلیل شخصیت انسان امروز نک: «پسامدرنیسم و شخصیت انسان» (رشیدیان، عبدالکریم، **درس گفتارهایی در پسامدرن**، انتشارات کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۵۳-۳۵).

رعایت برابری است که در وقوع وقایعی چون انتشار ویروس کرونا مورد توجه و التفات مردم از یک سو و تذکر اندیشمندان و تنبیه سیاست‌مداران در عدم رعایت آن در اکثر جوامع بشری از سوی دیگر قرار گرفت. اگر چه هابرماس، فیلسوف بزرگ عصر حاضر، یکی از آثار ویروس کووید ۱۹ را برابر شدن افراد در مقابل مفهوم مرگ ناشی از این پدیده تبیین کرد. اما به نظر می‌رسد که این برداشت خیلی واقع‌بینانه و صحیح نیست؛ زیرا اگر چه در وهله اول همه افراد و اقشار در معرض یک تهدید برابر در مقابل این ویروس مرگ‌آور بودند، نتایج و آثار آن به دلیل عدم برخورداری افراد از شرایط و امکانات برابر درمان این نظر را مخدوش می‌نماید؛ زیرا همه افراد به نحو مساوی در معرض ریسک مرگ قرار ندارند. در تحلیل سیستمی شرایط عمومی و بسترهای اجتماعی باید به نحوی طراحی و برنامه‌ریزی شود که چنین تبعیض‌هایی رخ ننماید و کلیه افراد جامعه در معرض تهدیدات برابر، از شانس‌های مساوی در رشد و ارتقا برخوردار باشند؛ وگرنه ممکن است به همان اندازه در معرض آشوب و بحران قرار گیرند.

«عدالت» مفهوم عدالت عینی و مادی از بنیان‌های مهم ارزش‌گذاری در عصر حاضر است. تأمین و تحقق عدالت یکی از آرزوهای دیرین بشریت بوده که پیوسته منشأ تحولات بسیار بزرگی در جوامع و دوران مختلف تاریخی قرار گرفته است. امروزه مفهوم و مصادیق عدالت بر اساس مبانی معرفت‌شناختی نوین و جهانی بسیار توسعه یافته است. به موازات تحولاتی که در مفهوم و مصادیق آزادی و برابری به وجود آمده، مفهوم عدالت نیز دچار دگرگونی و توسعه کمی و کیفی شده است. جنگ‌های سهمگین جهانی اول و دوم چنان هرج و مرج و بی‌نظمی را در جهان ایجاد کرد که جامعه بین‌المللی در صدد برآمد که تغییرات اساسی در اداره امور عالم و تأمین حداقلی از عدالت را در چارچوب تدوین قواعد مشترک ایجاد نماید تا شاید بشریت شاهد تکرار چنین وقایع زیان‌باری نشود. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «اساساً حقوق بشر را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج ناچار به قیام ضد استبداد و سرکوب نشود».<sup>۱</sup> صرف نظر از این که گام‌هایی در نزدیکی به این هدف برداشته شده است، اما

۱. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی آمده است: «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده، آزاد و از ترس و فقر، فارغ باشند، به»

افق تأمین و اجرای عدالت هنوز ایدئالی بسیار مبهم و دست‌نیافتنی است. این عدم دستیابی به عدالت مطلوب، علاوه بر اینکه ناشی از نقص عملکرد نظام‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی است؛ در عین حال ناشی از توسعه مستمر قلمرو و مصادیق مفهوم عدالت و ارائه برداشت‌های جدیدی از آن است. به همین دلیل، این مفهوم همچنان یکی از عوامل مهم وقایع و پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود. مصادیق عدالت در عصر حاضر بسیار متنوع و به مفهومی وسیع تفسیری پیدا کرده است. مهم‌ترین مصادیق عدالت عبارت‌اند از: عدالت قضایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نژادی، جغرافیایی، آموزشی، غذایی و ... که به دلیل تعمیق دانش بشری در تبیین مفاهیم هر یک از یک سو، و تعامل و ارتباط درون شبکه‌ای این مفاهیم بر یکدیگر و توسعه جهانی شدن و درک مشترک بشر از ارزش‌ها از سوی دیگر، می‌تواند در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی هنجارشکن بسیار مؤثر باشد. یکی از مصادیق بارز مفهوم عدالت، عدالت توزیعی در سلامت و درمان و بهداشت است که عدم رعایت یا عدم استقرار آن در صحنه اجتماع می‌تواند موجب بروز بحران‌ها و مخاطرات اجتماعی و انسانی گردد. عدالت در برخورداری از حقوق انسانی که قوام‌دهنده مفهوم کرامت ذاتی انسان است. حق بر سلامت و بهداشت، حق بر آموزش، حق بر اشتغال، حق بر درمان، حق بر هویت، حق بر دادرسی منصفانه و حق بر تغذیه حداقلی و حق بر هوای پاک از جمله عناصر تأمین‌کننده عدالت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عنصر پیونددهنده منافع و سرنوشت مشترک اعضای جامعه است.<sup>۱</sup>

→ عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است. از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد. از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین‌الملل را مورد تشویق قرار داد. آنجا که مردم ملل متحد، باور خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق زن و مرد مجدداً در منشور، اعلام کرده و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزاد، وضع زندگی بهتر به وجود آورند. از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند. از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد. مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند. تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام به این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند، تأمین گردد».

۱. عدالت یکی از اساسی‌ترین اصول چهارگانه اخلاق پزشکی است و علی‌رغم اهمیت آن، متأسفانه به عنوان حلقه مقفوده ادبیات اخلاق پزشکی در سطح جهان و به‌ویژه زبان فارسی و با توجه به سوابق و باورهای دینی، فرهنگی ←

یکی از پیشروان طرح مفهوم عدالت عمومی، بزرگ‌ترین اندیشمند مسیحیت، «سن توماس آکویناس»<sup>۱</sup> در قرن سیزدهم میلادی است که استقرار عدالت عمومی را به جای عدالت خصوصی ضروری می‌دانست. اما پرواضح است که تلقی ایشان صرفاً جایگزینی دولت و جامعه به جای قربانیان در اجرای مجازات‌های تنبیهی و بدنی بود و هیچ وجه اشتراکی با برداشت امروزی از عدالت عمومی و اجتماعی ندارد.

در دنیای امروز، به سبب توسعه و تعمیق دانش بشری و کشف ابعاد نوینی از مفاهیم و ارزش‌های بنیادین، مثل عدالت اجتماعی و مفهوم کرامت ذاتی بشر، توسعه و ابعاد جدیدی پیدا کرده است؛ لذا همچنان فاصله واقعیات با عدالت مطلوب نه تنها کم نشده، بلکه به مراتب بیشتر و دورتر هم شده است. نگاهی به شورش‌ها و اعتراضات آمریکا،<sup>۲</sup> پیشروترین کشور صنعتی دنیا در دوره مقارن با شیوع بیماری کرونا، به سبب عدم برخورداری از عدالت اجتماعی و اعمال سیاست‌های نهادینه شده تبعیض، دلیل روشنی بر این مسئله است.<sup>۳</sup> در صورتی که در اعصار گذشته عدالت مفهومی انتزاعی داشت که توسط عالمان و حاکمان توصیف و تبیین می‌شد و وصف سلبی آن بر جنبه ایجابی آن غلبه داشت و در نهایت به اعمال و اجرای مجازات‌های تنبیهی و بدنی نسبت به مجرمین یا عدم اعمال ظلم و اجحاف نسبت به سایرین اکتفا می‌شد و این برداشت‌های سنتی از عدالت امروزه اعتباری نداشت و جلوه‌های بارز و عینی آن یعنی عدالت اجتماعی، عدالت ترمیمی<sup>۴</sup> و عدالت توزیعی<sup>۵</sup> که در واقعیات روزمره اجتماعی، یعنی میزان بهره‌مندی از تسهیلات و توقعات بشری ظهور می‌کرد، مبنای محاسبه و ارزیابی قرار می‌گرفت.

→ ملی غنی مطرح است (نک: عباسی، محمود و همکاران، **عدالت در سلامت و جایگاه آن در اخلاق پزشکی**، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۴).

1. Tommaso d'Aquino (1225-1274).

۲. برای مطالعه نتیجه پژوهش‌هایی پیرامون آشوب‌های آمریکا به دلیل قتل یک شهروند سیاه‌پوست این کشور، نک: <https://www.insider.com/global-george-floyd-black-lives-matter-protests-photos-2020-5>  
۳. عدالت اجتماعی حلقه‌ای مفقوده در چارچوب نظام‌های سیاسی است که در هر جامعه‌ای به صورت کم و بیش خودنمایی می‌کند. نک:

Silva, Eduardo, "Social Movements, Protest, and Policy", *European Review of Latin American and Caribbean Studies*, No. 100 (2015) December, pp. 27-39.

4. United Nations publication, Handbook on Restorative Justice Programmes, New York, 2006.

5. FOLLESDAL, ANDREAS, *The Distributive Justice of a Global Basic Structure: A Category Mistake?*, *Politics, Philosophy and Economics*, 2011, vol 10 (1):pp 46-65.



نکته مهم و پایانی در خصوص ارزش بنیادین عدالت اینکه در شرایط فعلی به دلیل رویکرد پوزیتیویستی از مفهوم عدالت و جلوه‌های عینی آن، برداشت‌های عوام‌گرایانه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی حقوقی، یکی از شاخص‌های مهم در سیاست‌گذاری‌های عمومی محسوب می‌شود، اما در گذشته مفاهیم انتزاعی نخبگان معیار تعیین‌کننده عدالت محسوب می‌شد. به بیان دیگر، امروزه یکی از معیارهای تأمین عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی تأمین رضایت مخاطبین یا توقعات عمومی است.

بر اساس این مبانی نظری و رویکرد اجتماعی، در کلیه کشورهای دنیا، اعم از عقب‌افتاده، در حال توسعه و پیشرفته، شاهد بحران‌های مکرر اجتماعی به دلیل عدم رضایت‌مندی از شرایط و مناسبات اجتماعی هستیم. بسیاری از این بحران‌ها ریشه در میزان توقعات بشر از حقوق رفاهی و تفسیری دارد که از زوایای مختلف عدالت اجتماعی توسط مردم عامی و عادی ارائه می‌شود. سیاست جنایی فرانکوگرایانه و تئوری آشوب با لحاظ این مبانی و واقعیات درصدد آن است که تحلیلی واقع‌بینانه از عناصر و مؤلفه‌های بنیادین مفهوم کرامت ذاتی ارائه دهند تا از سطحی‌نگری و ساده‌انگاری به تحلیل‌های سیستمی و شبکه‌ای گذر کنیم تا جهانی کم‌تنش‌تر و با تقابل کمتر ساخته شود.

«امنیت»<sup>۱</sup> یکی از ارزش‌ها و آرمان‌های اساسی و تاریخی حیات بشری است. مفهوم امنیت نیز در طول تاریخ از جمله مفاهیم نسبی و متغیر بوده که شرایط و عناصر آن دچار دگرگونی بسیار شده است. در قرآن کریم، امنیت به عنوان یک شاخص مهم مدینه فاضله و جامعه ایدئال توصیف شده است و مهم‌ترین خصوصیت اماکن مقدس به‌ویژه کعبه وجود امنیت آن است (آیه ۶۷ سوره عنکبوت: اَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا اَمْنًا؛ آیه ۹۷، سوره آل عمران: وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ اَمْنًا) و در

۱. تعریف فرهنگ لغات از امنیت، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (میرعرب، مهرداد و سید عبدالقیوم سجادی، **نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت**، مجله علوم سیاسی، ۱۳۷۹، شماره ۹).

مقابل، یکی از شدیدترین جرائم مستوجب مجازات سنگین، جرم محاربه<sup>۱</sup> است که در حقیقت موجب بروز ناامنی در جامعه می‌شود.

در گذشته، امنیت مفهومی بیشتر سلبی یعنی فقدان علل و عوامل تهدیدکننده به جان و مال، تعبیر می‌شد. به عبارتی جنبه‌های فیزیکی و عینی تهدیدات بر سایر ابعاد آن برتری داشت. اما امروزه مفهوم امنیت بیشتر جنبه‌های اثباتی و ایجابی دارد؛ یعنی علاوه بر فقدان علل و عوامل خطر، تهدید و ترس وجود شرایط مثبت و تأمین‌کننده آسایش و آرامش خاطر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر همین اساس، علاوه بر مفهوم عینی و وضعی امنیت و همچنین مفهوم روانی و احساسی آن، لزوم مقفود بودن عناصر خطر آفرین در کنار عنصر اعتماد و اطمینان به آینده مورد توجه واقع می‌شود.

با توجه به اینکه امروزه مفهوم امنیت از ماهیتی سلبی و وضعی به ماهیتی ایجابی و کیفی تبدیل شده است، بدیهی است که قلمرو آن نیز به مانند سایر مفاهیم و ارزش‌های بنیادین بسیار توسعه یافته و مصادیق و جلوه‌های نوینی پیدا کرده است که تأمین بعضی از این مصادیق، امری مشکل و حتی دست‌نیافتنی است. مصادیق سنتی امنیت در مصادیقی چون امنیت سیاسی، جغرافیایی و نظامی در قلمرو حقوق عمومی و امنیت جانی در قلمرو حقوق فردی منحصر می‌شد. اما مصادیق نوین امنیت که تأمین آن بر عهده نظام‌های سیاسی و اجتماعی است، بسیار متنوع و گسترده شده است؛ از جمله امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت روانی، امنیت در سطوح محلی، شهری، ملی و بین‌المللی، امنیت اجتماعی، امنیت قضایی، امنیت سایبری، امنیت غذایی و امنیت انسانی. همه جلوه‌های امنیت نیازمند احراز شرایطی برای استمرار فعالیت و برخورداری از موقعیتی است که نه فقط تهدید و احساس خطر وجود نداشته باشد، بلکه امکان بهره‌مندی از حرکتی تعالی‌بخش فراهم شود تا نتیجه آن تأمین احساس آرامش باشد. در صورتی که یکی از خصوصیات زندگی عصر حاضر نگرانی‌های معقول از وضعیت ناپایدار و تحولات زودگذر و مستمر اجتماعی است که نتیجه آن عدم احساس امنیت و بروز پرخاشگری و عدم رضایتمندی است.

۱. مطابق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حد محاربه یکی از چهار مجازات: الف) اعدام؛ ب) صلب؛ پ) قطع دست راست و پای چپ؛ ت) نفی بلد است.

۱.۲.۲. امنیت اجتماعی برآیند التزام و توازن صحیح به ارزش‌های بنیادین آزادی، برابری و عدالت همچنان که اشارت رفت، چهار ارزش و مؤلفه اساسی در سیاست‌گذاری‌های عمومی، شامل اصول آزادی، برابری، عدالت و امنیت، از جمله مفاهیمی‌اند که در عرصه پهنای تاریخ بشر موجب به هم پیوستگی یا از هم گسستگی حیات اجتماعی انسان‌ها و جوامع شده است.

این چهار ارزش که جزء حقوق بنیادین بشر نیز محسوب می‌شوند، در عین حال که چهار اصل و قاعده مستقل محسوب می‌شوند، از پیوستگی و روابط سیستمی درونی بسیار پیچیده‌ای نیز نسبت به یکدیگر برخوردارند. نظام لیبرالیستی غرب با تکیه افراطی بر ارزش آزادی و بدون توجه به ارزش‌های مهم برابری و عدالت تصور نمود که امنیت و به‌ویژه امنیت اجتماعی را برای جامعه خویش تضمین نموده است. اما حوادث مکرر و بحران‌های اجتماعی سال‌های اخیر، به‌ویژه اعتراضات اجتماعی سال ۲۰۲۰ میلادی آمریکا، روشن ساخت که به دلیل فقدان برقراری توازن صحیح و منطقی بین این ارزش‌های بنیادین، بحران و آشوبی نهفته را در بطن خود پرورانده است.<sup>۱</sup>

نظام‌های سیاسی مبتنی بر تئوری تقدم برابری بر سایر ارزش‌ها در نقطه مقابل نظام‌های سیاسی، برگرفته از مکتب لیبرالیسم با تکیه بر تقدم اصل برابری و استفاده از قدرت برای استقرار آن نیز قریب یک قرن بسیاری از جوامع را در توهّم ایجاد امنیت اجتماعی و طراحی الگوی مطلوب حرکت داد، اما سرانجام به دلیل عدم التزام به سایر ارزش‌های بنیادین در سیاست‌گذاری‌های عمومی در پی امنیت اجتماعی، در حقیقت برآیندی از ایجاد موازنه معقول بین ارزش‌های اساسی حیات بشر است.<sup>۲</sup> بدیهی است، مفهوم و قلمرو مفهوم امنیت و به‌ویژه امنیت اجتماعی نیز همانند ارزش‌هایی مثل عدالت، برابری و آزادی، مفاهیمی سیال و تحت شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی متغیر و مناقشه‌برانگیزند. یکی از بحران‌های عصر امروز تفسیر و تبیینی است که از این مفاهیم و ارزش‌های بنیادین به عمل می‌آید. اگرچه در گذشته حاکمان و صاحبان قدرت مفسر این مفاهیم بودند و از دوره رنسانس این شأن و مقام به نخبگان و

1. See: Martin, Brian, *Protest in a liberal democracy*, Published in Philosophy and Social Action, Vol. 20, Nos. 1-2, January-June 1994, pp. 13-24.

2. See: A. Hosking, Geoffrey, *The First Socialist Society: A History of the Soviet Union from Within*, Harvard University Press, 1992, P.18.

اندیشمندان رسید، اما امروز و در آغاز قرن بیست‌ویکم تفسیر و اراده شهروندان و مردم عوام بر تفسیر این مفاهیم حاکم شده است.

در هر حال، امنیت اجتماعی و کیفیت آن انعکاسی از نوع روابط سیستمی و چگونگی تعامل و توازن ارزش‌های بنیادین با یکدیگر و بازخورد واقعی و اجتماعی آن در صحنه اجتماع است. بدیهی است که مهم‌ترین عنصر در ارزیابی این بازخوردها، کیفیت تفسیر و برداشت عموم و اکثریت مردم از ارزش‌ها و واقعیات اجتماعی خواهد بود که حتی مقدم بر تفسیر حاکمان و نخبگان، خود را بر نظام‌های سیاسی و اجتماعی تحمیل می‌کند.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های امنیت اجتماعی سلامت روحی، روانی و اجتماعی است که از طریق حق بر بهداشت و حق بر درمان جلوه‌گر می‌شود. شیوع اپیدمی‌هایی، مثل کووید ۱۹، با غافلگیر کردن مردم و نظام سلامت مردم و جامعه در سطح ملی و بین‌المللی، نه فقط موجب سلب امنیت روانی و اجتماعی شده، بلکه سایر ارزش‌های اساسی را نیز تحت تأثیر قرار داده و حتی مختل و معلق نموده است.<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین دلایل تقدم یا غلبه تفسیر عموم مردم بر تفسیر نخبگان و حاکمان از این ارزش‌ها، در حقیقت به ماهیت مفهوم حق بر می‌گردد که غایت آن عینیت یافتن در عالم واقع و ملموس شدن برای عموم مردم است.

## ۲. تحلیل اپیدمی کووید ۱۹ از منظر تئوری آشوب

ایده اولیه تئوری آشوب را اولین بار در ژانویه ۱۹۶۳ یک اندیشمند آمریکایی، به نام ادوارد لورنز،<sup>۲</sup> در مجله 'Atmospheric Science' و در مقاله‌ای در حوزه علم هواشناسی تحت عنوان جریان قطعی غیردوره‌ای<sup>۳</sup> مطرح کرد.<sup>۴</sup>

ایده طرح‌شده در این مقاله توسط نویسنده، بعدها در کنفرانسی در سال ۱۹۷۲ با عنوان نظریه

1. Kaiser, Jocelyn, 'Every day is a new surprise.' Inside the effort to produce the world's most popular coronavirus tracker, 2020: <https://www.sciencemag.org/news/2020/04/every-day-new-surprise-inside-effort-produce-world-s-most-popular-coronavirus-tracker>.

2. Edward Norton Lorenz (1917-2008).

3 deterministic non periodic flow.

۴. این مقاله از تاریخ نگارش تاکنون ۲۲۳۹۵ بار مورد ارجاع واقع شده است.

«اثر پروانه‌ای»<sup>۱</sup> تکمیل و تبیین گردید که از آن تاریخ به بعد با همین عنوان شهرت یافته و مورد استناد قرار گرفته است. نظریه اثر پروانه‌ای به تدریج از قلمرو مباحث آب و هوایی به سایر حوزه‌ها سرایت کرد و الگوی مناسبی برای بررسی‌های علمی و اجتماعی واقع شد. به نظر نگارنده این مقاله، نظریه اثر پروانه‌ای در حوزه علوم انسانی به‌ویژه جامعه‌شناسی و حقوق می‌تواند یکی از معتبرترین نظریه‌ها در تحلیل وقایع و پدیده‌های اجتماعی محسوب شود؛<sup>۲</sup> زیرا این نظریه، انسان و جوامع بشری را از سطحی‌انگاری و ساده‌لوحی که همیشه گریبان‌گیر بشر بوده است، نجات می‌دهد.<sup>۳</sup>

### ۲.۱. تعریف و جایگاه تئوری اثر پروانه‌ای و آشوب در تحلیل پدیده‌های اجتماعی

امروزه در تحلیل پدیده‌ها و آسیب‌شناسی وقایع اجتماعی همیشه به رابطه سببیت و علت و معلولی به عنوان یک پیشرفت بزرگ علمی و نگاه منطقی توجه ویژه‌ای می‌شود. در صورتی که در تاریخ بشر سال‌های متمادی بسیاری از وقایع را نشانه غلبه اراده اهریمن بر روح و جان انسان می‌دانستند و مجازات انسان‌ها، اعم از عاقل و مجنون و کودک و حیوان‌ها و حتی موجودات غیر زنده، را در حقیقت بستری برای مبارزه با اهریمن و اعاده نظم اخلاقی و ارزش‌های ذاتی تلقی می‌نمودند.<sup>۴</sup>

با وجود این پیشرفت علمی، احراز رابطه علی و معلولی و بررسی عوامل وقوع یک پدیده اجتماعی به علل و عوامل بی‌واسطه و مستقیم منحصر می‌شد و اسباب بعیده نه فقط مورد توجه

#### 1. Butterfly.

۲. در خصوص جایگاه تئوری آشوب در مدیریت، نک: فیض، داود جبار الهی‌راد، **تئوری آشوب و مدیریت**، مجله مدیریت، سال ۱۳۸۵، شماره ۱۱۶-۱۱۵.

۳. سطحی‌نگری و ساده‌لوحی قدمتی به تاریخ بشر دارد؛ از ساده‌انگاری در برقراری عدالت به واسطه قتل فرزند معماری که به دلیل قصور در ساخت بنای مستحکم چنانچه سبب مرگ فرزند صاحب خانه به واسطه ریزش بنا شد که در تاریخ باستان آمده است، تا اعدام حیوانات در اروپای قرون وسطایی و محاکمه خوک که نتوانست مانع فرزندانش در آسیب‌رسانی به مزرعه غیر شود و برخی ساده‌لوحی‌ها در عصر حاضر چون قتل‌های ناموسی صرفاً بر اساس یک ظن ضعیف، تنها نمونه‌ای از این مواردند.

۴. به عنوان مثال، برای اولین بار تریتا، پزشک ایران باستان، ثابت کرد که بیماری، نفوذ شیطان در جسم انسان نیست، بلکه تابع رابطه علت و معلولی خاص خود است. یا نظریه کانت و طرف‌داران عدالت مطلقه که فرشته عدالت با چشمان بسته و شمشیر آخته مأمور اجرای مجازات بعد از وقوع جرم است، بدون لحاظ علت و عوامل به وجود آورنده جرم.

قرار نمی‌گرفت، بلکه اشاره به آنها بی‌اعتبار و به نوعی تقبیح می‌شد.<sup>۱</sup>

نظریهٔ اثر پروانه‌ای به روش علمی و تجربی و حتی آزمایشگاهی در حوزهٔ آب و هوا ثابت کرد که گاهی علل و اسباب بعیده و غیرمستقیم عامل وقوع نتایج و وقایع بسیار وحشتناک و عظیمی مثل یک طوفان خسارت‌بار خواهد شد. به عبارت دیگر، براساس منطق تئوری اثر پروانه‌ای، دانش و علم بشر به لایه‌های زیرین و اولیهٔ علل و عوامل پدیده‌های اجتماعی نفوذ کرد و انسان توانست نگاه و برداشت واقع بینانه‌تری از دنیای پیرامونی و نتایج عملکرد اجتماعی خود به دست آورد. تئوری «اثر پروانه‌ای» بیان می‌دارد که یک تغییر جزئی یا یک عامل غیر مهم و با واسطه در ابتدا می‌تواند به یک تغییر بسیار بزرگ در پایان یک فرایند طبیعی، اجتماعی و انسانی منجر شود.<sup>۲</sup> در گذشته و شاید قرن‌ها عوامل جزئی و غیرمهم به هیچ وجه مورد توجه نبودند و باید کنار گذاشته می‌شدند، اما تئوری «اثر پروانه‌ای» این رویکرد عرفی و نظریات مبتنی بر آن را مخدوش و نقطهٔ مقابل آن را اثبات کرد. از سوی دیگر، با ظهور نظریات سیستمی و شبکه‌ای به عنوان یکی از دستاوردهای مهم علمی در کشف روابط پیچیدهٔ پدیده‌ها، نظریهٔ اثر پروانه‌ای نیز که در همین راستا زوایای پنهانی از روابط درونی پدیده‌ها را کشف کرد، به جایگاه مهم‌تری ارتقا یافت و صحت این نظریه آشکار و تأیید شد. نظریهٔ ادوارد لورنز که در علم هواشناسی مطرح و توسعه پیدا کرد، نه فقط یک نظریهٔ سادهٔ تفسیری و زودگذر محسوب نمی‌شود، بلکه به دلیل قوت مبنای علمی و منطقی آن به تدریج در سایر حوزه‌ها مورد کاربرد و استناد قرار گرفت و تقویت شد و سایر اندیشمندان آن را تحت عنوان نظریهٔ آشوب<sup>۳</sup> ارائه کردند.<sup>۴</sup>

۱. نمونهٔ بارز روابط علی و معلولی را می‌توان تأثیر برخی پدیده‌ها در ایجاد بحران‌های اقتصادی دانست. امری که در بحران اقتصادی ۲۰۰۸ آمریکا به وضوح قابل رؤیت است. از ایجاد رکود در بخش مسکن به عنوان مهم‌ترین دلیل وقوع بحران مذکور یاد می‌شود؛ امری که علت مستقیم این بحران است. با وجود این، نمی‌توان منکر برخی علت‌های دور/بعید در وقوع چنین پدیده‌ای شد. برای مثال، کارکردهای منفی پول فیات/اعتباری و قدرت تورم‌زایی آن و ناکارآمدی نظم پولی موجود در سطح ملی و فراملی از جمله عواملی است که می‌تواند زمینه‌ساز وقوع بحران‌هایی مشابه باشد، بی‌آنکه در تحلیل‌های موجود ظرفیت‌های منفی آن به وضوح مورد بررسی قرار گیرد.

2. I. Kattan, Peter, **Chaos Theory Simply Explained**, 2012, publication at: <https://www.researchgate.net/publication/289996762>.

3. Chaos theory.

۴. انتشار کتاب آشوب توسط جیمز گالیک James Galik به خوبی نشان داد که یک منطق و ابزار نو در فهم مسائل اجتماعی کشف شده است که با استفاده از منطق الگوریتمی ریاضی کلیه پدیده‌های اجتماعی را می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به نتایج مطمئن‌تری در حل معضلات اجتماعی رسید.

تئوری آشوب که در حقیقت تکمیل‌کننده تئوری اثر پروانه‌ای است و با منطق سیاست جنایی فرانوگرایانه سازگاری و مطابقت دارد، موجب بروز تحولی عظیم در فهم عمیق و تحلیل پدیده‌های اجتماعی شده است. بر اساس تئوری آشوب، باید از تصور ساده و تحلیل ظاهری پدیده‌های اجتماعی گذر کنیم و هر واقعه‌ای را نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل و وقایع مختلف درون شبکه‌ای از سیستم‌های پیچیده تفسیر نماییم. به بیان دیگر، هیچ حادثه اجتماعی اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه ما از درک آن عاجز هستیم. بنابراین، وقایع تصادفی و حتی معماگونه بدون تردید نتیجه کارکرد مجموعه‌ای از سلسله عوامل مختلف و در چارچوب یک نظم سیستمی رخ می‌دهد. بنابراین، با عنایت به مبانی و مباحث ذکر شده، می‌توان تعریف ارائه شده به شرح ذیل را مورد تأیید قرار داد. «تئوری آشوب مجموعه‌ای است از فنون و روش‌های ریاضی، هندسی و الگوها برای بررسی مسائل غیرخطی، پراکنده و بی‌نظم که ویژگی تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی بودن را در بطن خود دارند»<sup>۱</sup>.

مطابق این تعریف، بسیاری از پدیده‌ها که ظاهراً غیرخطی، غیرمنظم و تصادفی به نظر می‌رسند، خود از یک نظم منطقی برخوردارند؛ منتها لازم است به شرایط حساس اما غیرمهم اولیه توجه شود. به تعبیر روش ریاضی، چنانچه نتیجه محاسباتی یک محاسبه تا شش رقم اعشار محاسبه شود، حتی حذف دو رقم آخر آنها می‌تواند در نتایج تأثیر فوق‌العاده‌ای به وجود آورد.

## ۲.۲. رویکرد منطقی تئوری آشوب در تحلیل ویروس کووید ۱۹

تئوری آشوب بر اساس این منطق بنا شده بود که عناصر کوچک و اولیه که قاعدتاً خارج از عرف و تحلیل علمی است، باید مورد توجه قرار گیرد و حذف آنها از علل و اسباب بروز نتیجه غیرمنطقی خواهد بود. همچنان که وقوع یک طوفان بزرگ ممکن است تحت تأثیر بال زدن یک پروانه به عنوان علت اولیه حادث شود. به تعبیر لورنتس - که نظم حاکم بر دنیا را آشوبناک توصیف می‌کرد - پیش‌بینی آب و هوا به طرز عجیبی وابسته به موضوعات کوچک است.<sup>۲</sup>

۱. مرادیان، محسن، **تئوری آشوب و امنیت غیرخطی**، ماهنامه نگرش راهبردی، تیر و مرداد ۱۳۸۶، شماره ۸۱-۸۲، ص ۱۳۵.

2. See: N, LORENZ, EDWARD, "Deterministic Non periodic Flow", *JOURNAL OF THE ATMOSPHERIC SCIENCES*. VOLUME 20, 1963.

حال پرسش اساسی این است که آیا وقوع پدیده‌های ناشناخته‌ای مثل ویروس کووید ۱۹ که دنیا را دچار بحرانی غافلگیرکننده نموده و در حال حاضر علم بشر هنوز موفق به کشف علت موجه آن نشده است، می‌تواند با منطق تئوری آشوب مورد توجه و بررسی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

اگر بال زدن پروانه‌ای در برزیل می‌تواند باعث ایجاد تندبادی در تگزاس شود، یا چنانچه حذف دو رقم اعشار عددی با شش رقم اعشار ممکن است موجب تغییر نتایج و تحلیل‌ها شود، در حوزه امور اجتماعی با کدام شیوه محاسباتی ریاضی یا هندسی می‌توان به تحلیل پدیده‌های اجتماعی یا پدیده‌های جنایی پرداخت و اصل مسئولیت کیفری یا مبارزه با علل وقوع جرم را در منطق مسئولیت خطی یا مسئولیت غیرخطی تا کدام سلسله از علل و اسباب می‌توان توسعه و تسری داد؟

آیا یکی از مصادیق بارز آشوبناکی دنیا ظهور و جلوه‌گری ویروس کرونا نیست؟ در پاسخ باید گفت که نحوه تعامل ویروس کرونا و پیچیدگی بروز آن و فروض مختلفی که در ایجاد و توسعه آن مطرح می‌شود، بر جهل انسان نسبت به علت و شرایط ایجاد آن از یک سو و غیرخطی بودن منطق حاکم بر آن از سوی دیگر و نهایتاً لزوم مبارزه‌ای پیچیده و سیستمی به منظور کنترل این پدیده با وجود جهل به ماهیت آن و منطق بی‌نظمی یا آشوبناکی آن دلالتی آشکار دارد.

در حال حاضر نیز تمام مراکز علمی دنیا با غفلت از تحلیل عوامل مستحدثه آن، بیشتر به دنبال کشف مکانیسم کنترل، پیشگیری از توسعه و نهایتاً درمان آن‌اند.

تئوری آشوب تاکنون در حوزه‌های خاصی مثل هواشناسی، هنر، مدیریت و ... مورد استفاده و اثبات قرار گرفته، اما در حوزه‌های اجتماعی مثل بهداشت و درمان و حقوق، به دلیل پیچیدگی احراز علل و عوامل سیستمی در کشف پدیده‌ها و رسوب تاریخی منطق خطی به عنوان معتبرترین و منطقی‌ترین شیوه کشف رابطه سببیت کمتر مورد توجه واقع شده است.

بدیهی است، این ضعف و جهل یا عدم سابقه عمل به این رویکرد نمی‌تواند موجب انکار و نفی تأثیر عناصر ساده و اولیه یا علل غیرخطی در وقوع حوادث شود. تئوری آشوب و اثر پروانه‌ای به ما می‌آموزد که آشفتگی‌های موجود در تمامی ابعاد حیات، یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و عینی

1. See: Mangiarotti, S., and Others, *Chaos theory applied to the outbreak of COVID-19: an ancillary approach to decision making in pandemic context*, Cambridge University Press Public Health Emergency Collection, Published online 2020 May 8. doi: 10.1017/S0950268820000990.



است، اگرچه ما آگاهی بر آن نداریم. اما با دقت در مجموعه عوامل سیستمی مشاهده می‌شود که همه این آشفتگی‌ها ساختارمند اما پنهانی‌اند؛ مثل نظم حاکم بر مجموعه کهکشان‌ها در نظام عالم هستی.

دانش پزشکی با همه پیشرفت‌های محیرالعقول و خیره‌کننده‌ای که طی دو قرن اخیر به دست آورده است و با توجه به رسالت بزرگ انسانی آن در نجات بشر از رنج‌های جسمانی و روانی و نهایتاً حفظ حیات انسان به یکباره در مقابل اپیدمی‌هایی مثل ویروس کووید ۱۹، چنان منفعل می‌شود که گویی در جهل مرکب یا در دوره‌های اولیه پیشرفت به سر می‌برد. بدون تردید این پدیده‌های آشوبناک نیز از منطق اختصاصی و از تعامل پیچیده و ناشناخته مجموعه‌ای از عناصر خود پیروی می‌کند که هنوز علم بشر بدان آگاهی لازم نیافته است. به عبارت دیگر، همچنان که در بخش نخست اشاره شد، وجود منطق غالب دوره مدرنیسم که همان منطق خطی و نگاه جزئی و جزیره‌ای به علل و عوامل پدیده‌های اجتماعی است، جوامع انسانی را از نگاه جامع و توجه به علل و عوامل غیرخطی غافل کرده است. مهم‌ترین ضعف و کاستی پیشرفت‌های پزشکی در پیروی از منطق خطی است. کشف دارو و تولید واکسن بعد از آزمایش در آزمایشگاه‌ها و سپس نسبت به حیوانات با زیست شبیه انسان و نهایتاً به کارگیری آزمایشی بر روی تعدادی نمونه انسانی موجب تسری نتیجه به همه انسان‌ها خواهد شد.<sup>۱</sup> در صورتی که منطق تئوری آشوب به دلیل عدم توجه به کلیه عناصر و عوامل غیرخطی مؤثر در نهاد انسان، جامعه و طبیعت، به حکم قاطع بیان می‌دارد که چنین روشی با خطاهای بسیار و ریسک بزرگ همراه است که هر از گاهی مورد تصحیح و بازنگری قرار می‌گیرد. غافلگیری بشر و نظام پزشکی نسبت به اپیدمی‌های نوظهور، مثل کرونا و ویروس، صرف‌نظر از اینکه دلالت بر غفلت از عوامل ساده اولیه و پیرامونی در ایجاد آن دارد؛ بر تبعیت این پدیده‌ها از یک منطق غیرمتعارف و ناشناخته به نام تئوری آشوب نیز دلالت دارد که شناخت منطق آن نیازمند بررسی مجموعه‌ای از علل و عوامل مرتبط مثل برهم خوردن بال یک پروانه در بررسی مجموعه اسباب وقوع یک طوفان است. ناتوانی و جهل انسان نسبت به کشف آن نمی‌تواند موجب انکار آن شود؛ اگرچه همین منطق در

1. I. Kattan, Peter, **Chaos Theory Simply Explained**, 2012, publication at: <https://www.researchgate.net/publication/289996762>.

بسیاری از کشفیات در قلمرو علم شیمی یا فیزیک یا نجوم به دقت مورد توجه واقع شده است. اما در علوم انسانی و رفتارها و پدیده‌های اجتماعی متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته؛ به نحوی که حیات انسان و طبیعت را مورد تهدید جدی قرار داده است.

امروزه در قلمرو ارزیابی عملکرد اجتماعی انسان، تئوری ریسک در مواردی مورد توجه قرار گرفته است، اما شناسایی مسئولیت انسان به صورت استثنایی و در صورت نقض استانداردهای متعارف و مصوب آن پذیرفته شده است. در صورتی که این ریسک در حوزه علوم دقیقه مثل فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی چون نتایج آزمایشگاهی را کاملاً منقلب و متفاوت می‌سازد، بسیار ناچیز و غیرقابل پذیرش است. وقوع بحران‌های اجتماعی با خسارات انسانی و اجتماعی فراوان مثل سیل، طوفان، تغییرات آب و هوایی، آتش‌سوزی و به ویژه ظهور اپیدمی‌های مرگ‌آور مثل کووید ۱۹ که به تعبیر هابرماس جهل انسان را بر او نمایان ساخت، هشدار جدی بر نظام اخلاقی و نظام اجتماعی و منطق علمی جامعه بشری محسوب می‌شود که تجدید نظر در روش‌ها، هدف‌ها و ابزارهای موجود در کشف و تحلیل پدیده‌های اجتماعی را اقتضا می‌کند.

## نتیجه‌گیری

انتشار ویروس کووید ۱۹ در عرصه جهانی، بشر خودشیفته به پیشرفت‌های علمی و صنعتی را که ادعای سلطه بر جهان پیرامون خویش را داشت، از توهم خارج کرد و به نقاط ضعف و کاستی‌هایش آگاه ساخت. در عین حال، هشدار بزرگی به سیاست‌مداران و دولتمردان داد و اثبات کرد که نه تنها برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ارائه شده در مفهوم عام آن از ایرادات، بن‌بست‌ها و غفلت‌های جدی برخوردار است، بلکه حتی در حوزه‌های تخصصی، مثل امور پزشکی، ویروس‌شناسی و درمان، پزشکان حاذق و متخصص نیز غافلگیر شده، بر نادانی خویش اعتراف نمودند. این غافلگیری موجب شد که منطق مبتنی بر ریسک چه در واکنش نسبت به ویروس کرونا و چه در زندگی روزمره و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و عمل به قاعده و منطق نسبی‌گرایی را در تصمیمات و انتخابات روزمره نهادینه سازد. بر همین اساس، علاوه بر سیاست‌مداران، پزشکان و بازیگران صحنه سلامت و درمان نیز در معرض آزمایش و تجربه‌ای بزرگ در انتخاب‌های سرنوشت‌ساز و توأم با ریسک قرار گرفتند. یکی از چالش‌های بزرگ در اتخاذ سیاست‌های عمومی و مقابله با کرونا، انتخاب مهم و سرنوشت‌ساز بین حفظ حیات و جان انسان‌های عادی در معرض آسیب از یک سو و حفظ رونق و حیات اقتصادی جامعه و اجتناب از بحران‌های اجتماعی از سوی دیگر بوده و است. انتخابی که هر وجه آن به‌ویژه ترجیح رونق و حیات اقتصادی با انتقادات جدی مواجه است. با وجود این، مادامی که انسان به علم و آگاهی یقینی نرسد، چاره‌ای جز تصمیم‌گیری بر اساس قاعده ریسک ندارد.

مبانی نظری حاکم بر سیاست جنایی فرانواگرایانه و نظریه آشوب که لزوم شناخت کامل از کلیه وجوه و ابعاد هر پدیده اجتماعی را مورد تذکر قرار می‌دهد، نقدی جدی بر رویکردهای ریسک‌محوری که یقین‌آور نیستند، وارد می‌داند. بر اساس تئوری «بال پروانه» یا نظریه «آشوب»، عملکرد نظام پزشکی دنیا و کلیه بازیگران عرصه سلامت و بهداشت فقط جزئی از یک سیاست کلان در حوزه‌های اجتماعی و عمومی است و توفیق یا عدم توفیق آن را بدون لحاظ جمیع عناصر در کلیه مؤلفه‌های مرتبط نمی‌توان به درستی بیان نمود.

باید اذعان داشت که امروزه اگرچه ناآگاهی مردم و سیاست‌گذاران نسبت به کشف روابط عمیق علت و معلولی در طراحی یک سیستم پویا و سازگار با محیط دینامیک بیرونی امری مسلم و بدیهی است، آگاهی سطحی و گستردهٔ عموم مردم نسبت به حقوق و مطالبات خویش از جمله مفاهیم و ارزش‌های بنیادین و تشکیل‌دهندهٔ کرامت انسانی به سرعت بالا رفته است. دنیای امروز دنیای حق‌محوری و مطالبه‌گری است. حق بر برابری، حق بر عدالت، حق بر آزادی و حق بر امنیت، به‌ویژه تفسیر موسع از مفهوم و قلمرو امنیت و عدالت اجتماعی، دولت‌ها و حاکمیت‌های سیاسی را مکلف به پاسخگویی و تأمین نظام حداقلی در قبال شهروندان نموده است. قرن بیست‌ویکم که عصر حاکمیت تحولات سریع و دیجیتال است، خصوصیات بسیار ویژه‌ای دارد که از منطق ساده و سطحی قرون گذشته تبعیت نمی‌کند. از یک سو، انسان امروزی فردی تنوع‌طلب، ساختارشکن، زیاده‌خواه و مفسر مستقیم پدیده‌های اجتماعی است<sup>۱</sup> و از سوی دیگر پدیده‌های اجتماعی نیز از یک منطق آشوبناکی تبعیت می‌کنند که لزوماً تابع منطق خطی یا منطق سیاست جنایی سنتی نیست. بسیاری از پدیده‌های اجتماعی با روش‌های متداول و سنتی قابل ارزیابی و بازشناسی نیستند. این پدیده‌ها باید در درون یک سیستم دینامیکی و بر اساس الگوهای غیرخطی، پراکنده و ظاهراً بی‌نظم مورد کنکاش و بررسی قرار گیرند و در صورتی که امروزه دانش بشر از درک بسیاری از وقایع که از منطق غیرخطی برخوردارند، عاجز است. انتشار ویروس کووید ۱۹ از جمله این پدیده‌هاست که با منطق سادهٔ خطی قابل ارزیابی و شناخت نیست. اما این تجربهٔ تلخ نشان داد که چگونه حق بر سلامت انسان‌ها به دلیل سهل‌انگاری و جهالت در سیاست‌گذاری‌های عمومی یا تبعیت از مصالح و منافع خودخواهانه و کوتاه‌مدت، مورد تعرض و اجحاف قرار گرفت و افراد بسیاری را به کام مرگ کشید.

تجربهٔ تلخ ابتلا به ویروس کرونا، به خوبی نمایان ساخت که انسان در تحلیل پدیده‌ها نیازمند ابزارهای نوین و نگاه‌های عمیقی است که جهل و گمراهی او را از روابط پیچیده سیستمی و درون‌شبهه‌ای کاهش دهد. به نظر می‌رسد که تئوری سیاست جنایی فرانکوگرایانه و همچنین تئوری آشوب که تحلیل عمیق و جامعی از کلیه علل و عوامل مرتبط با وقایع و پدیده‌ها ارائه

۱. رشیدیان، عبدالکریم، *درس گفتارهایی در بسامدرن*، انتشارات کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷، صص ۳۵-۵۳.

می‌دهد، می‌تواند الگوی مناسبی برای سیاست‌گذاران اجتماعی و عمومی محسوب گردد. در نتیجه، این واقعیت و جهل ناشی از شناخت عمیق این پدیده‌ها و علت‌سنجی آنهاست که به رویکرد مکمل و جانشین، یعنی پیشگیری و کنترل، توجه خاص می‌شود. اصل پیشگیری مقدم بر درمان به عنوان یک راهبرد اساسی، محور سیاست‌گذاری‌های عمومی قرار می‌گیرد. همچنان‌که در مبارزه با ویروس کووید-۱۹ به دلیل عدم شناخت اصل پدیده و عدم توانایی در درمان آن، رویکرد پیشگیری و قرنطینه با شعار «در خانه بمانیم» بهترین سیاست کنترل و نظارت محسوب شده است. باید با تردید جدی در سیاست‌های جاری و سابق، زمینه‌های بازنگری سیاست‌های اتخاذی در حوزه‌های صنعت، محیط زیست، سلامت و درمان و حتی نظام آموزشی به منظور تقدم بخشیدن به ارزش ذاتی و بنیادین کرامت انسانی و تقسیم عادلانه رفاه، امنیت، بهداشت، آموزش و آرامش برای همگان فراهم شود.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

#### کتاب

۱. آنسل، مارک، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ویراست پنجم، ۱۳۹۵.
۲. دلماس-مارتی، مری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی-ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۵.
۳. رضوانی، سودابه، *مدیریت انسان مدار ریسک جرم*، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱.
۴. زارع کهنمویی، اصغر، *برابری و رفع تبعیض*، با مقدمه عمادالدین باقی، نشر موغام، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۵. شاملو، باقر و همکاران، *افق‌های نوین جرم‌شناسی انتقادی*، مجموعه مقالات، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۸.
۶. شاملو، باقر، *تحول در اصولگرایی علم حقوق در پرتو پست مدرنیسم*، تهران: کرسی حقوق بشر، ۱۳۹۲.
۷. فلسفی، هدایت اله، *سیر عقل در منظومه حقوق بین الملل*، نشر نو، ۱۳۹۶.

#### مقاله

۸. حبیب‌زاده، توکل و علی‌اصغر فرج‌پور اصل مرندي، *کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن*، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱.
۹. راسخ، محمد، *مدرنیته و حقوق دینی*، نامه مفید، اسفند ۱۳۸۶، شماره ۶۴.
۱۰. شاملو، باقر، *پست مدرنیسم و بازخوانی انگاره‌های بنیادین پیشگیری از جرم*، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳.

۱۱. شاملو، باقر، **پست مدرنیسم و باز اندیشی مفهوم جرم**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳.
۱۲. شاملو، باقر، **ضوابط حقوق بشری مقابله با مخاطرات ناشی از بحران های اجتماعی**، مخاطرات و حقوق، ۱۳۹۴.
۱۳. عباسی، محمود و همکاران، **عدالت در سلامت و جایگاه آن در اخلاق پزشکی**، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۱۰.
۱۴. فیض، داود و جبار الهی‌راد، **تئوری آشوب و مدیریت**، مجله مدیریت، ۱۳۸۵، شماره ۱۱۶-۱۱۵.
۱۵. لواسور، ژرژ، **سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲، شماره ۱۱ و ۱۲.
۱۶. مرادیان، محسن، **تئوری آشوب و امنیت غیرخطی**، ماهنامه نگرش راهبردی، تیر و مرداد ۱۳۸۶، شماره ۸۱-۸۲.
۱۷. میرعرب، مهرداد و سید عبدالقیوم سجادی، **نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت**، مجله علوم سیاسی، ۱۳۷۹، شماره ۹.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **سیاست جنایی**، مدخل در: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسن نیازپور، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۹. ویژه، محمدرضا، **مفهوم اصل برابر در حقوق نوین**، نشریه حقوق شناسی، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲.
۲۰. یزدانی زازرانی، محمدرضا، **شناخت فرایند سیاست‌گذاری عمومی؛ نگاهی کلی به مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌ها**، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۴.

## ب) منابع انگلیسی

### Books

21. A. Hosking, Geoffrey, *The First Socialist Society: A History of the Soviet Union from Within*, Harvard University Press, 1992.
22. *United Nations publication, Handbook on Restorative Justice Programmes*, New York, 2006.

### Articles

23. FOLLESDAL, ANDREAS, *The Distributive Justice of a Global Basic Structure: A Category Mistake?*, *Politics, Philosophy and Economics*, 2011, vol 10 (1).
24. Hepple, Bob., *Declaration of Principles on Equality*, 2008: <https://www.equalrightstrust.org/ertdocumentbank/Pages%20from%20Declaration%20perfect%20principle.pdf>.
25. Kaiser, Jocelyn, 'Every day is a new surprise.' Inside the effort to produce the world's most popular coronavirus tracker, 2020: <https://www.sciencemag.org/news/2020/04/every-day-new-surprise-inside-effort-produce-world-s-most-popular-coronavirus-tracker>
26. Mangiarotti, S., and Others, *Chaos theory applied to the outbreak of COVID-19: an ancillary approach to decision making in pandemic context*, Cambridge University Press Public Health Emergency Collection, Published online 2020 May 8. doi: 10.1017/ S0950268820000990.
27. Martin, Brian, *Protest in a liberal democracy*, Published in *Philosophy and Social Action*, Vol. 20, Nos. 1-2, January-June 1994.
28. N, LORENZ, EDWARD, *Deterministic Non periodic Flow*, *JOURNAL OF THE ATMOSPHERIC SCIENCES. VOLUME 20*, 1963.
29. Silva, Eduardo, *Social Movements, Protest, and Policy*, *European Review of Latin American and Caribbean Studies*, No. 100 (2015) December.

### Websites

30. <https://www.insider.com/global-george-floyd-black-lives-matter-protests-photos-2020-5>.
31. I. Kattan, Peter, *Chaos Theory Simply Explained*, 2012, publication at: <https://www.researchgate.net/publication/289996762>.
32. *Frank furter Rundschau* 10th April, 2020: <https://www.fr.de/kultur/gesellschaft/juergen-habermas-coronavirus-krise-covid19-in-ter-view-13642491.html>
33. <https://www.euronews.com/2020/06/26/covid-19-coronavirus-breakdown-of-deaths-and-infections-worldwide>.